

۵

۱۴۴۷۷۴۵

نقش‌هایی به یاد گذری بر ادبیات خاطره‌نویسی

احمد اخوت



سرشناسه: اخوت، احمد، ۱۳۳ -

عنوان و نام پدیدآور: نقش‌هایی به یاد [کتاب]

گذری بر ادبیات خاطره‌نویسی / تألیف و ترجمه اخوت.

مشخصات نشر: تهران: نشر گمان، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۳۷۲ ص: ۱۲ × ۱۹/۵ س.م.

فروست: زندگی‌نگاره‌ها (ادبیات خاطره‌نویسی)؛ شماره ۱

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۸۹-۲۶-۶

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: خاطره‌نویسی

موضوع: Diaries -- Authorship

رده‌بندی کنگره: ۳۷۱۳۹۵ ن ۳ الف / PN ۴۳۹۰

رده‌بندی دیویی: ۸۰۸/۸۸۳

شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۳۶۷۰۴



نقش‌هایی به یاد گذری بر ادبیات خاطره‌نویسی



تألیف و ترجمه: احمد اخوت

ویراستار: م. ب. حاجیانی
پاسر ازهری خشیایار قشقایی، رضایاسینی،
محسن هاشمی، احسان ناصر ترابی، شبنم نیک‌رفت
حروفه پنینی، منجه‌آرایی | فرحناز رسولی
طرح روی جلد: دیو هاکنی
طراحی: لیدویر قرم | م. دود منقرد
لیتوگرافی: چاپ جلد اسکوب
چاپ متن و تصاویر: واژه راندی

شابک | ۷۲۸۹-۲۶-۶-۸-۶۰۰
چاپ نخست | پاییز ۱۳۹۸
شمارگان | ۷۰۰ جلد
قیمت | ۵۰۰۰ تومان

تلفن | ۸۸۸۱۳۸۹۶
آدرس | تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه سوم، پلاک ۲۷، مایه
سایت | www.goman-pub.com
ایمیل | goman.publication@gmail.com

تمامی حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است.
تکثیر، انتشار، بازنویسی، ترجمه‌ی این اثر یا قسمتی از آن و استفاده از طرح روی جلد
به هر شیوه از جمله: فتوکپی، الکترونیکی، ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازیابی
و پخش بدون دریافت مجوز قبلی و کتبی از ناشر ممنوع است.
این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» قرار دارد.

۱



فهرست

۷	یادداشت‌های من
۱۱	بنای یادبود / رگمنام

مبانی نظری

۱۹	یادهای ما
۴۳	زرف‌نگری / رولان بارت
۶۵	آن یادداشت‌های کوچک (مقدمه)
۷۱	بریده‌ی مکالمات / فرانتس کافکا
۷۹	خاطره و غم غربت
۹۳	بازخوانی خاطرات زمان جنگ / سوزان رابین سلیمان
۱۱۳	خاطرات زندانیان

خاطره سخن بگو

۱۱	تصویری از فرانسه‌ی اشغالی / گرت رود استاین
۱۳۷	قتل در آشپزخانه / آلیس بی. تکلان
۱۴۹	کتاب آشپزی آلیس بی. تکلان
۱۵۷	قصیده‌ی کافه‌ی غم
۱۶۱	دفترچه‌ی تلفن
۱۶۵	آمادئو مودیلیانی / آنا آخامتووا

خاطرات کتابی

۱۷۹	 خاطرات کتابی
۱۹۷	 خاطرات کتابی / ری بردبری
۲۰۳	 راسته‌ی کنسرو سازان
۲۰۹	 دو خاطره / مونا اندرسون
۲۱۳	 یک نامه
۲۱۷	 شکسپیر و شرکای سیلویا بیچ
۲۳۵	 آغاز و پایان

یادداشت‌نویسی

۲۴۹	 بررسی یادداشت‌نویسی / جون دیدیون
۲۶۳	 درباره یادداشت‌نویسی / سارا جرارد
۲۷۷	 روز هفتاد و شش / تقویم‌نویسی
۲۹۵	 خواندن میان طرها / ای آن میسون
۳۰۵	 کتابچه‌ی نویسند

عکس و خاطره

۳۳۱	 یکی، هیچ‌کس، صد هزار / لوئیس بونوآ / بهمن قرزانه
۳۳۳	 رولان بارت / رولان بارت
۳۳۵	 عکس و مرگ / کریستیان متز
۳۳۹	 عکس و غم غربت / سوزان سانتاگ
۳۴۱	 هرکول پوآرو / آگاتا کریستی

بررسی کتاب

۳۵۱	 جشن بیکران
۳۵۴	 صفحه‌ی گیتار هاوایی

یادداشت مجموعه

بسیاری چیزها را نباید گفت حتی بعد از مرگ...
اگر بعد از مرگ من به این یادداشت برخورد کردید
همین اشاره کافی است.

— نیما یوشیج، یادداشت‌های روزانه

زندگی-نگاره‌ها بیشتر شرح احوال است تا توصیف آفاق، اعترافاتی برپهنه‌ی
سفید کاغذ که چندان به خیال ادبیات نوشته نشده‌اند - حد تعریف آنجاست
که نویسنده نمی‌تواند بر آستانِ متنش بنویسد: «شبهتِ نام‌ها و آدم‌ها و
اتفاقات تصادفی است».

یادداشت‌نویسی و خاطرات مشخصاً مالِ دورانِ مدینه، لااقل تدقیقِ
احوالِ آدم‌های مدرن است؛ مواجهه‌ی مدام و مدیدِ آدمیِ یکه‌مرگ، ملال و
فراموشی است و نوحه برسیاهیِ فتنای محتوم. وجه مشترک این نوشته‌ها اینست
که اساساً فرم یا ژانر مشخصی ندارند، حتی وقتی با احتمال چاپ به دست سپردن به
وصی تحریر شده باشند؛ قواعد ابدی ندارند یعنی قالب و حدی ندارند، گاهی
غیرشخصی و تأملاتی‌اند، گاهی رمزی و موجز؛ گاه شبیه برشی از داستانی،
و گاهی شاعرانه می‌شوند از سربِ حوصلگیِ گاهی هم ترس و حزم، یا شرم،
یادداشت‌های نویسنده‌ای را شاعرانه می‌کند؛ گاه گزیدگی غلبه دارد، یعنی تمایل
به نگفتن، و گاهی هم گشودنِ قبضِ روحی رنجورِ شکلِ یادداشت می‌شود. حتی
می‌شود یادداشت‌های آدمی یکدست نباشد، روزی طعنه‌زن و ملامت‌گر باشد،

روز دیگر خودستایانه، گاهی افسوس بر زندگی رفته، گاهی شرح خوشی‌ها و روزهای در راه. این سیالیتِ فرم - یا به واقع: بی‌شکلی - تصریفِ آزادیِ روح است: پهنه‌ی سفید و گشوده‌ی کاغذ میدانی می‌شود وسیع تا قواعد و حجاب و حائل‌های ازپیشی یا قراردادی روح محو شوند، و جان بگیرد این خواستِ مدرن «نقش‌زدن خویشتن» یا «تقریر صریح نفس» - میراثِ تلخِ سنتِ آگوستین و مونتینی و روسو. پس، عجیب نیست که هیچ کتابِ مجموعه‌ی زندگی‌نگاره‌ها فرمی شبیه دیگر کتاب‌ها نداشته باشد.

شاه و شوالیه و نقاش و شاعر و آنارشیست و خداشناس در اغلب زندگی‌نگاره‌ها می‌شود دید که در وهله‌ی نخست انسانند حتی اگر گهگاه تأملات و الهیات بنویسند، و دل‌مشغولی‌های خیلی صریح و بدیهی خُرد و ناه آشوده دارند: داستان‌نویسی در میان‌سالی از قیلوله‌ی عصرگاهی بیدار شده، تجربه‌ی شوق جوانی می‌اندیشد و نگرانست که چشمانش تا آخر عمر خواهد دید یا نه لغت‌نویسی از کار بی‌وقفه‌ی لغتنامه می‌نویسد که چه بارها که در شب از بستر بی‌خوابی و پلیده بر می‌گردد و چیز می‌نوشتم تا لغات فارسی فراهم بیایند؛ شاهی صاحب‌ان بیخوابی شبانه و باران تا سحر و خوابی کوتاه تا صبح یادداشت کوچک داشته، روزی از کابوس و هراسِ مرگِ مفاجا می‌نویسد؛ نویسنده و سیاست‌مدار پس از مرگ همسر و فرزندان و کشته‌شدن یاران و هم‌زمان و دوستی شفیق شی می‌نویسد پس من چرا باید گذشته را به یاد بیاورم؛ شاهزاده‌ای می‌خواهد، با نظاره‌ی قضا و خطراتِ پیشِ رو، چیزی به جهتِ سبکی کار بنویسد و وصیت می‌نویسد، اجل برسد راضی به حرکتِ نعشِ خود نیست؛ موسیقی‌دانی جایی یاد می‌کند از فراموشیِ تزار ملاقاتش با دوشیزه‌ای نادر، چرا که دستخوشِ حجمِ صداهای اتاقِ پاییزی است. حالا این سمفونیِ خاطره‌ی فراقِ معشوقی تاابد از دست رفته است؛ کوشه‌ای از سروط، خواه در نامه‌ای می‌نالد که طهران کدام جانور است که در یک شب صدای نجس زایید؟ و می‌گوید سوی چشمانش در زوال است و می‌داند ولی که ایران را تا پنجاه سال در جلدِ سیاهِ خود شست و شوداد تا قابلِ دباغی گردد؛ فیلسوفی از سرخوشیِ مخصوصش پس از چُرَقِ مختصر در عصری پاییزی می‌نویسد که اشیا در نشنگیِ سیالیِ سُبک به چشم می‌آمده‌اند؛ شاعری تمام در پیری و تحسرو غُرَبِ خانه‌ی تجربشش می‌نویسد من اُستادم برای مردن، من اُستادم که نفهمند چه چیز مرا خُرد کرده است؛ داستان‌گویی یادداشت می‌نویسد از نقلِ مکررِ دوست

شاعرش در ماه‌های واپسین عمر که روی دست خود مانده‌ام؛ دختری از رنگ طبیعیِ چهره و حالت معمولیِ جنازه‌ی دایی‌اش با سیگاری نصفه لای انگشت می‌نویسد که غی‌دانست روزگاری نویسنده‌ای مشهور خواهد شد؛ اصلاً چرا من این حرف‌ها را می‌نویسم؟ که چی؟ ذکر خیری پنهانی از آن بزرگوار رفته، یا شکایت از روزگار در این آخر شب، در این خلوت خاموش تاریک و دلگیر و باران یکنواخت؛ مثلاً نویسنده‌ای در شرح سرخوشی حاصل از تماشای چای دوزنگ ساختن پدرش عصر ای شیراز ناگهان به زبان شطح می‌نویسد: از دیدن پدرم که آسوده لم داد است و در سکوت راحت و وقار تنهایی‌اش انگار با همیم، از همیم، خوشی‌ای به من می‌رسید؛ یا جستارنویسی که عمری یادداشت روزانه نوشته، با شنیدن خبر مرگ دوست سارا از آن، می‌نویسد یک‌شنبه است، دلم غمی خواست بیدار شوم. دلم می‌خواست در خواب می‌مردم. گناه کیست این توفان و گردبادی که به جان ما افتاده و جزو این دیرپا، چیزی باقی نمی‌گذارد...

نوشتن از خود یک جور است پیش گرفتن در برابر مرگ است و هراس فراموشی و فنا؛ مومیایی کردن نفس است. منتظر پیش‌انداختن محاکمه است؛ شلاق تطهیر است بر خود و بر میدان دید. خواب فراموشی است. پیشاپیش طومار اعمالی است برای روز مبادا؛ چنان‌که روسو در محضه‌ی اعترافاتش می‌نویسد در صورتی که بدمند، خواهیم آمد این نوشته را به دست سرفشته، آواز خواهیم داد؛ اینست آنچه کردم و اندیشیدم و بودم؛ گویی حتی انتظار واپسین اعتراف در بستر احتضار هم دیگر ممکن نیست، باید دست‌به‌کار شد و از دیدن‌ها و شنیدن‌ها و فهمیدن‌ها چیزی فراهم آورد که شباهتش با آدم‌ها و اتفاقات تصادفی اصلاً نباشد. اما نویسنده اینجا هم می‌خواهد به شرح ردّ غیرواقعی‌های پنهان بر واقعیت معمولی بنویسد. در زندگی نگاره‌نویسی آن است که به جای پیکر ساختن از توده‌ی گل برده بتواند با طرح افکندن یکی دو خط اندیشیده و دقیق بر تن سنگی انتخاب شده حیرت‌ماندگار بیافریند که هم گزارش خود است هم شرح جهان، همان قدر که سبیه است محاکماتی است. فاصله‌اش با واقعیت را اغواگرانه انکار می‌کند.

باید بتوان فرق گذاشت میان آنچه ما مراد می‌کنیم و می‌خواهیم از خاطرات و یادداشت‌های روزانه، و آنچه بازار خودفروشی و حراج خلوت است بر دهک‌ها و ویرترین‌ها؛ واقعیت‌های بفروش زندگی فلان سیاست‌مدار، فاش‌گویی رسوایی بهمان چهره‌ی معروف و... این‌ها خواست تقرّب به و لمس هرچه بیشتر و شدیدتر واقعیت است؛ مسح ناممکن آن تصویر حاد. اینجا خبری از این‌ها نیست.

و ویرترین‌ها: واقعیت‌های بفروشِ زندگیِ فلان سیاست‌مدار، فاش‌گوییِ رسواییِ بهمان چهره‌ی معروف و... این‌ها خواستِ تقریب به و لمسِ هرچه بیشتر و شدیدترِ واقعیت است: مسحِ ناممکنِ آن تصویرِ حادث. اینجا خبری از این‌ها نیست.

زندگی‌نگاره‌ها را نمی‌خواهیم به ترجمه محدود کنیم، اما در سپهر زبان فارسی و ایرانِ جدید، این چنین از خود-نوشتن گستره و سرآمدهای معدودی دارد که پیشینه‌شان -پس از متونی مثل بدایع الوقایع- شاید بازمی‌گردد به روزنامه‌ی خاطرات ناصرالدین‌شاه و اعتماد السلطنه، بی‌اغرافیِ آخوندزاده، خاطرات شکارِ وستعلی خان معیرالمالک و نمونه‌های متأخرتری مثل یادداشت‌های روزانه‌ی نیما، یا شرح زندگانی من عبدالله مستوفی، نامه‌های هدایت به شهید نورایی، روزها در راه، شرح سکر، «از راه و رفته و رفتار» و «رشد یک نوسال» ابراهیم گلستان، و سبکی بر بزمِ جلال آل‌احمد. پس یکی دو گزیده فراهم می‌آید از سرچشمه‌ها، و بعد هرچه بخواهیم و بترانیم و دست‌یابِ ما شود. و اگر از زندگی کسی یادداشت‌ها یا خاطراتی موجود باشد، می‌توانیم شرح حال‌های مختصری فراهم بیاوریم.

در شکل‌پذیرترین مجموعه... مهم نوشته‌ها و ترجمه‌های جناب آقای احمد اخوت در باب ادبیاتِ خاطر و سبکی، وضع است و سپاسگزاریم اجازه دادند مجموعه با کتاب ایشان آغاز شود. سپس از این مجموعه رسال‌های ۱۳۷۵-۱۳۷۰ مجموعه‌ای شامل دفتر یادداشت‌های روزانه‌ی صافکا و دفتر یادداشت‌های روزانه‌ی یک نویسنده‌ی داستانیفکسی - در انتشارات، بزرگوار با همین ایده و نیت منتشر شده که حیف ادامه نیافت. می‌ماند به یادکردِ اینکه در طرح ریختنِ ایده و پیش‌رفتنِ کار و انتخابِ کتاب و گزیدنِ مترجم و آماده‌سازیِ آثار، راه‌ها بسیاری مؤثر بوده‌اند که شاید نامشان بر جلد کتابی از این مجموعه هم نیاید، ما از مز و مشورت‌شان حظ برده‌ایم و سپاسگزاریم: لاله قدکپور، احمد اخوت، رضا ساسانی، «این گلکار، عماد مرتضوی؛ و البته از دوستی مترجمانِ کتاب‌ها و ویراستاران و دقتِ عمده‌ی آنان و دلسوزیِ حروف‌چینان و کارگران چاپخانه و صحافی و مهربانانِ دیگر، یادکردِ این حرمتی است به سپاسِ رفتار فرهنگی‌شان و هم احترامی به ایده‌ی زندگی‌نحاره‌ها در به یادداشتنِ جزئیات و یادها و خط‌ها و رنگ‌ها و غروب‌ها و اشک‌ها و عطرها و تداعی‌ها و سوداها و تمناها، و دل-نهادن به هیچ‌یک و مهیایِ دیارِ سایه‌ها و فراموشی شدن.